

ایرج افشار

محمود بن الیاس طیب

-۱-

در این سطور از سرگذشت نجم‌الدین محمود بن صائم‌الدین الیاس شیرازی طیب سخن میرود. او از نیمه دوم سده هفتم تا نخستین سالهای نیمه اول قرن بعد میزیست و در زمان خود از بزرگان پزشکان ایران و مورد احترام بسیار بود.

نجم‌الدین محمود از جهت اهمیت و شهرت علمی همانند بود با کسانی چون قاضی عضد‌الدین ایجی (۷۰۱ - ۷۶۰) و قطب‌الدین رازی (متوفی در ۷۷۶) که در عصر خویش از برجستگان دانشمندان بودند، آنچنانکه همیشه مورد محبت و اعزاز و اکرام خواجه رشید‌الدین فضل‌الله طیب (در ۷۱۸ کشته شد) واقع میشدند. خواجه که خود مردی بسیار فاضل و اهل کتاب و ادب و سالیانی وزیر غازان خان و برادرش الجایتو بود در مکتوبی که بفرزند خود امیر علی حاکم بغداد نوشته انعاماتی برای علمای زمان مقرر میدارد و از جمله محمود بن الیاس را بدریافت «تقدأ الف دینار - پوستین سنجاب - مرکوب مع سرجه» مفتخر میدارد و از این باب او را در زمره نامبردگان در فوق و هم‌طراز با آنان قرار داده است.^۱

بعض از نویسندگان فهرست‌های خطی نام پدر نجم‌الدین محمود را باقتباس از نسخ خطی ضیاء‌الدین الیاس نوشته‌اند و این اشتباه ناشی از خطای کاتبین و نسخه نویسان آثار وی میباشد. نام پدر او بنا به ضبط کتاب «شده الازار فی حط الاوزار عن زوار المزار»^۲ که مفیدترین مأخذ در شرح زندگانی محمود بن الیاس است صائم‌الدین است نه ضیاء‌الدین.^۳

۱ - رجوع شود به «مکاتبات رشیدی» به تصحیح و تحشیة محمد شفیع استاد دانشگاه پنجاب، لاهور، ۱۹۴۸ صفحه ۶۲

۲ - این کتاب که در مزارات شیراز و تألیف معین‌الدین ابوالقاسم جنید شیرازی (در ۷۹۱) است به تصحیح مرحوم قزوینی و آقای عباس اقبال در سال ۱۳۲۹ در تهران نشر شد.

۳ - این اشتباه در Rieu در فهرست نسخ عربی کتابخانه بریتیش موزیم (شماره ۸۰۸ و بوسف) الیاس سرکیس در معجم المطبوعات (ستون ۱۱۷۶، چاپ مصر، ۱۹۳۸) و بروکلیمان Brochelman در دو مین ضمیمه تاریخ ادبیات عرب (صفحه ۲۹۹، لندن، ۱۹۳۸) و دکتر داود چلبی در مخطوطات - الموصل (صفحه ۱۲۹، بغداد ۱۳۴۶) نقل کرده‌اند.

در نسخه‌ای از کتاب غیاثیه (تألیف محمود بن الیاس که از این پس آنرا خواهیم شناساند) متعلق بکتابخانه ملی پاریس نام نیای او نیز آمده است باین شرح:

«نجم‌الدین صائم بن صائم‌الدین الیاس بن ستر باریک شیرازی» (بلوشه ج ۲ ص ۱۰۴) و در نسخه‌ای از کتاب «الرسالة التشریحیه» (تألیف دیگر محمود بن الیاس) نام او چنین آمده: «محمود بن صائم‌الدین الیاس بن شیر باریک بن محمد شیرازی» (نسخه‌های ۴۴۸/۵ و ۴۹۰/۱ متعلق بکتابخانه اهدائی مشکوة بدانشگاه طهران). چگونگی نام جدا و بر من روشن نشد.

* * *

محمود بن الیاس از خاندانی بود که در شیراز بکار پزشکی اشتغال داشتند. بجزوی برادر زاده اش جلال الدین احمد بن یوسف بن الیاس (متوفی در ۷۴۴) و منصور بن محمد بن احمد بن یوسف بن الیاس که نواده جلال الدین مذکور بود نیز پزشک همان شهر بودند. ۱ جلال الدین در دستگاه سلاطین فارس تقرب داشت و از جماعت صوفیه پیروی و مال خود را هم بر آنان بذل میکرد. وی بر بی و فارسی شعر میسرود و بیشتر ملمع.

* * *

نجم الدین محمود بجز پزشکی در فقه نیز مردی صاحب نظر بود و به همین سبب در بعضی از کتابها او را بنام فقیه و طبیب یاد کرده اند، همچنانکه خواجه رشید الدین فضل الله او را «فقیه محمود بن الیاس طبیب» میخواند. ۲

مشروحترین ذکر آنست که از این پزشک آمده در کتاب «شدالارار» است. مؤلف این کتاب او را در علم ابدان و ادیان متبحر دانسته و میگوید که در علم طب شهیر تر بود و مردی بود بغایت خیر خواه، بنوعی که بهای دارو برای بینوایان از صاحبان تمکن گرفته با آنان میفرستاد. ۳

* * *

قسمتی از عمر این پزشک نامدار در ریاست «بیمارستان دروازه سلم» ۴ شیراز گذشت. این بیمارستان که به اتابکی معروف بود سالیانی منخروبه مانده بود تا اینکه بسبب رغبت و شوقی که خواجه رشید الدین فضل الله وزیر به امور خیر داشت در زمان وزارتش تعمیر و مرمت شد و محمود بن الیاس هم بر ریاست آن نائل آمد.

خواجه رشید الدین وزیر در خصوص همین امر مکتوبی دارد که متضمن نکاتی تاریخی و مبین درجه محبت و احترامش بآن طبیب میباشد و آن اینست: «مکتوب که در باب مولانا فاضل محمود بن الیاس المشهور بفقہی نجم نوشته است، در باب بیمارستان دروازه سلم شیراز جماعه الله عن الافات»

۱ - سرگذشت جلال الدین احمد در «شدالازار» آمده، مرحوم قزوینی در حاشیه صفحه ۲۷۹ همان کتاب از منصور هم بناسبت موقع باختصار سخن داشته است.

۲ - مکاتبات رشیدی ص ۶۲ - شدالازار صفحه ۲۷۷ چاپ طهران

۳ - دروازه سلم از دروازه های قدیمی شیراز بوده، در احسن القاسیم از آن نام رفته است (چاپ دخویه ص ۴۳۰)

۴ - «الکود» در تاریخ طب ایران آنرا «باتابکی» یاد کرده، و در تاریخ و صاف هم «بنای دارالشفائی» به اتابک ابوبکر بن سعد زنگی نسبت داده شده است. این بیمارستان از مستعدنات نامبرده بوده نه دیگری از اتابکان فارس. در این خصوص نگاه کنید به «مکاتبات رشیدی» و

A Medical History of Persia and the Eastern Caliphate, by Cyril Elgood, Cambridge, 1951, p.312

حکام و نواب و متصرفان و بتکچیان و سادات و قضاة و ائمه و مشایخ و علماء و صدور کدخدایان و متولیان اوقاف بلده شیراز بدانند که استدامت صحت جسمانی و استبقای نفس نفیس انسانی که بنیان رب العالمین است بر اقامت طاعات و عبادات بمد و معین است و بافضل قربات و اکل ثنوبات کفیل و ضمین ، چه باوجود عدم صحت و منعم قوای بدنی تحصیل کمالات نظری و اکتساب ملکات عملی صورت نیندد و ادراک حواس ظاهره که حبابیل اصطیاد معارف اند بسبب انحراف مزاج از فعل طبیعی خود بازمانند و مزاج اعضا متغیر شود، و شمس و اقمار نفوس در حجاب غمام امراض منکسف و منخسف گردد ، و تا بانواع معالجات بحال صحت و استقامت نیاید منکشف نشود ، از برای تلافی این خلل و تدارک این زلل سلاطین اسلام و ملوک عظام رواتب صدقات و رغایب انعامات و بناهای خوش هوا و عمارات دلکش بانوا و بهاتر ترتیب فرموده اند ، و بهر ترتیب علاج برای اصلاح مزاج از ادویه و معاجین اطباء حاذق و بیمارستانهای لایق و رایق مرتب و مهیا کرده ، و خود را بسبب ترتیب این اسباب ثواب بیحساب که « و من احیایها فکانما احیا الناس جمیعاً » گردانیده .

و چون دارالشفاء دروازه سلم که در بلده شیراز واقع است و از بناه اتابگان فارس است ، و مدتی مدید و عهدی بعید است تا بسبب آنکه طبیعی که بمصالح آن قیام نماید بضرورت مهمل و معطل مانده بود ، و زمنا و مرضاء را از آن انتفاعی صورت نمی بست . تادیرین وقت خدمت مولانا اعظم ، افلاطون دهر ، و ارسطو عصر مولانا محمود بن الیاس که از جمله حکماء دوران و فضلاء زمانست و در علم منقول و معقول عظیم المثل است و باوجود ین قدم عیسی دم است ، و در دقایق معرفت مزاج و انواع علاج یدببضا می نماید ، شعر :

فکانه عیسی ابن مریم ناطقاً یهب الحیوة و یری الاسقام

« لطایف الرشیدیة » که مشحون باصناف لطایف و موشح بالافظرایف است بنام ما ساخته و فرستاده ، و بر ذمت همت ما واجب و لازم شد که ترکیب او بنوعی کنیم که موجب ابتهاج و ارتیاح او باشد و بحق الجایزه آنجناب بدین موجب حواله رفته فرستاده شد :

الغله

الف جریب

جریب ، ۲۰۰ من

الحنظله : حواله باملاک «رامجرد» ۴۰۰ جریب - الشهیر : حواله باملاک بیضا و فیروز آباد ۳۰۰ جریب - الارزالیاض : حواله باملاک کربال ۳۰۰ جریب - نقدآ : ده الف دینار - الاجناس اسکندرانی و غیره : ۵۰ قطعه - جامه دوخته مع فروه : یکدست

هر کوب

بغل : پیش کش اتابک یوسف شاه ملک لرستان مع سرج جیلگری عمل شیراز - فرس : کهر عبادی پیش کش اعیان بغداد مع سرج ادیم جیلگری فضا . ناتمام